

بنو إسرائيل يترقبون ولادة موسى (ع)

بنی اسرائیل چشم به راه ولادت موسی (ع)

كان بنو إسرائيل قبل بعث موسى (ع) في حالة ترقب لهذا النبي العظيم والمصلح المنتظر، وكانوا يتباشرون حتى بولادته والاستعداد لاستقبال هذا الوليد المبارك، الذي سيخلصهم من حكم الطواغيت والفراعنة، الذين كانوا بدورهم في حالة ترقب سلبية لهذا المولود المبارك للانقضاء عليه وقتله، والخلص منه قبل أن يكبر ويقضي على الحكم الطاغوتي، ويفضح الفراعنة وادعاءاتهم الزائفة، ويقود بني إسرائيل للنجاة، ولحمل كلمة لا إله إلا الله إلى أهل الأرض، وجاءت سنين الولادة الموعودة فقتل فرعون مواليد بني إسرائيل في تلك السنين التي كانوا يترقبون ولادة موسى (ع) فيها ظناً منه أنه قادر على تغيير سنة الله، فشاء الله أن يخزيه ويبين له ضعفه أمام القدرة الإلهية والتدبير الرباني، فأنشأ سبحانه موسى في قصر فرعون بالذات، ولم يكن المرابي لموسى إلا فرعون الطاغية، الذي كان يسعى الليل والنهار للقضاء على هذا المولود.

بنی اسرائیل پیش از بعثت موسی (ع) در وضعیت چشم انتظار بودن این پیامبر بزرگ و مصلح منتظر بودند؛ تا آنجا که ولادت او و آماده بودن برای استقبال از این مولود مبارک را به یکدیگر بشارت می دادند؛ مولودی که آنها را از حکومت طاغوتها و فرعونها رهایی می بخشید؛ همان فراعنه‌ای که به نوبه‌ی خود در سوی مقابل، در وضعیت چشم انتظاری این مولود مبارک بودند تا بر او یورش برند و او را به قتل برسانند، و پیش از آنکه بزرگ شود و حکومت طاغوتی‌شان را یکسره و فراعنه و ادعاهای پوچ و دروغین‌شان را مفتضح و بنی اسرائیل را به سوی نجات و رهایی و بردوش کشیدن کلمه‌ی لا اله الا الله به سوی اهل زمین راهبری نماید، از او رهایی یابند. سال‌های آن ولادت وعده داده شده فرا رسید و فرعون در آن سال‌هایی که چشم انتظار ولادت موسی (ع) بودند نوزادان بنی اسرائیل را به قتل رسانید با این پندار که او توانایی تغییر سنت خداوندی را دارد؛ اما خداوند اراده فرمود تا او را خوار نماید و ضعف و ناتوانی

او را در برابر قدرت الهی و تدبیر ربانی آشکار سازد؛ خداوند سبحان موسی را در قصر خود فرعون پروراند و پرورانده‌ی موسی کسی جز همان فرعون سرکش نبود؛ همان کسی که شب و روز در پی فیصله دادن ماجرای همین مولود بود.

قال تعالى: (فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِبِينَ * وَقَالَتِ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ قُرَّتْ عَيْنِي لِي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ) [110]، بینما کان فرعون و جنوده يستضعفون بني إسرائيل و يذلونهم و يقتلون أبناءهم و خيارهم، کان موسی یکبر في قصر فرعون و یری ما يحدث خارج القصر من ظلم و اضطهاد للشعب المستضعف، و یری ما يحدث في القصر من رسم خطط إرهابية و إعلامية الهدف منها استخفاف الشعب و حمله على طاعة فرعون، أو على الأقل التسليم بالأمر الواقع، و ترك المقاومة، (قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ) [111].

حق تعالی می‌فرماید: (خاندان فرعون او را یافتند و برگرفتند تا دشمن‌شان و سبب اندوه‌شان گردد، که فرعون، هامان و لشکریانشان خطاکار بودند * همسر فرعون گفت: این کودک نور چشم من و تو خواهد بود؛ او را مکشید، شاید به ما سودی رساند یا او را به فرزندی گیریم؛ در حالی که آنها نمی‌دانستند) [112]. در آن هنگامه‌ای که فرعون و سپاهیان‌ش بنی اسرائیل را به استضعاف می‌کشیدند و آنها را خوار و ذلیل می‌نمودند و پسران و بهترین‌ها و برگزیدگان‌شان را می‌کشتند، موسی در قصر فرعون رشد می‌کرد و بزرگ می‌شد و آنچه از ظلم و به بندگی کشیدن مردم مستضعف در خارج از قصر اتفاق می‌افتاد را نظاره می‌کرد و آنچه در داخل قصر از نقشه‌های رعب‌انگیز و تبلیغاتی که هدف از آنها به بندگی کشیدن مردم و وادار کردن آنها به فرمان‌برداری از فرعون و یا حداقل پذیرش تسلیم شدن در برابر وضع موجود و ترک مقاومت بود را به عینه می‌دید: (فرعون گفت: شما را جز آنچه مصلحت دیده‌ام راهی ننمایم و جز به راه صواب راهبری نکنم) [113].

وكان موسى (ع) يرى سياسة فرعون وحزبه التي كانت تتمثل بمنع الدين الإلهي من الانتشار، ومنع الشعائر الدينية لبني إسرائيل، ونشر الفساد وبالتالي دفع الأجيال التي تنشأ في هذا الجو الفاسد إلى الفساد وترك التدين والالتزام بالشريعة الإلهية المقدسة. وهذا هو أهم العوامل التي يعتمد عليها الطاغية في حكمه، حيث يضمن أنّ الشعب قد تخلّى عن الله، عن القوة الحقيقية والناصر الحقيقي، القادر على القضاء على الطاغوت وعلى حزبه الشيطاني.

حضرت موسى (ع) سياست فرعون و حزبش را از نزدیک ملاحظه می کرد؛ سیاستی که تمثیلی از جلوگیری از انتشار دین خدا و بازداشتن بنی اسرائیل از تقیّد به شعائر دینی و گسترش فساد و به دنبال آن هدایت نسل هایی که در چنین جوّ فاسدی نشو و نما می یافتند به سوی فساد و ترک دین داری و التزام به شریعت مقدّس الهی بود. اینها مهم ترین عواملی هستند که حکومت طاغوت بر آنها تکیه دارد؛ چرا که تضمین کننده ی خالی شدن جامعه از خداوند، از تنها قدرت حقیقی و یاری گر واقعی، از توانای به پایان رساننده ی حکومت طاغوت و حزب شیطانی اش، می باشند.

القصص : 8 - 9.

[111] - غافر : 29.

[112] - قصص : 8 و 9.

[113] - غافر : 29.